



چشم انداز
مصاحبه با معاونت و مدیر آموزش دانشگاه خبر سرکار خانم سمیه یوسفی
کافه خبر
مصاحبه با استاد مهندس پرویز مصلی نژاد
چراغ راه
مصاحبه با مدیرگروه عکاسی دکتر کامین عباسی پیانی
بزرگداشت
گزارشی از معمار رشته عکاسی دانشگاهی در ایران (دکتر هادی شفائیه)
روشنای آینده
مصاحبه با پویان امیدی و حمیدرضا روشنی دانشجویان فعال رشته تدوین دانشگاه خبر
محله به محله
بازی های بومی- محلی ایرانی (چوبازی)



عکس: نیما قاسمی



سردبیر زهرا حمزه
ناظران و مدیران اجرایی سمیه یوسفی
آلما قاسمی دهقی
نیما قاسمی دهقی
نویسندگان مونا قربان نژاد
گزارشگر نگار ناصرزیم
خبرنگار زهرا حمزه
ویراستار / طراح سوال آلما قاسمی دهقی
عکاس نگار ناصرزیم
گرافیکست محدثه عاشوری



چشم انداز

مصاحبه مجله کاغذی دریچه خبر دانشکده خبر با سرکار خانم یوسفی

در خدمت سرکار خانم یوسفی معاونت و مدیر آموزشی دانشگاه خبر هستیم خانم یوسفی بزرگوار به مجله دریچه خبر خوش آمدید. بسیار خرسندیم که در خدمت شما فرهیخته گرامی هستیم همانطور که مستحضر هستید امروزه روز خبر یکی از ارکان اصلی و اساسی زندگی ما محسوب میشه با توجه به اینکه آموزش نیروهای متخصص تا حد زیادی میتونه برای تعامل با جهان پرتنوع خبر در حال حاضر حیاتی باشه، برای ما بفرمایید: - در حال حاضر این دانشگاه چه رشته هایی رو پوشش میده؟ در مقطع کاردانی: رشته های سینما، تدوین، طراحی گرافیک، روابط عمومی، خبرنگاری، مترجمی آثار مکتوب و زبان انگلیسی ترجمه آثار دیداری و شنیداری به زبان انگلیسی، هنرهای تجسمی-عکاسی.

- در مقطع کارشناسی: خبرنگاری (سیاسی-اقتصادی)- خبرنگاری (اجتماعی-فرهنگی) روابط عمومی (گرایش امور رسانه) عکاسی (گرایش تبلیغات) - مترجمی خبر انگلیسی - از بدو ورودتون به دانشگاه خبر به عنوان یک مدیر خانم موفق ما شاهد رسانی از تغییر و تحولات شگرف در دانشکده بودیم مقداری در مورد این چالش های تحول ساز در دانشکده خبر برامون بفرمایید؟

این که من رو یک مدیر موفق اعلام کردید که موفقیت از دیدگاه شماست من خودم رو یک خدمتگزار خوب برای دانشجویان در نظر میگیرم، خدمتگزاری که با تمام علایقش داره اونجا کار میکنه و اعتقاد بر این است که اگر هر شخصی هر کسی که جایی که داره کار میکنه با احساس مسئولیت کامل و با علاقه این کارش رو انجام بده حتماً توی اون کار پیشرفت میکنه زمانی که من وارد دانشکده خبر شدم اردیبهشت ماه ۹۸ بود متأسفانه مشکلات آموزشی زیادی داشتیم یکی از این مشکلات عدم پذیرش دانشجو در دو سال گذشته یعنی از بهمن ۹۶ تا بهمن ۹۸ بود که متأسفانه هیچ دانشجویی گرفته نشده بود به دلیل اینکه دانشکده خبر زیر مجموعه یک ارگان دولتی بود خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران ایرنا بود طبق مصوبه دولت وقت می بایست که دانشکده ها زیر مجموعه یک مجموعه خصوصی باشند با تلاشی که دوستان انجام دادند و بنده هم هر کاری کردم بعنوان وظیفه بوده تونستیم دانشکده خبر رو ببریم زیر مجموعه موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران روزنامه ایران به عنوان دستگاه متقاضی و ارگان رو خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران ایرنا انجام بدیم بعد از اینکه دانشکده خبر در بهمن ماه ۹۸ زیر مجموعه روزنامه ایران شد خوشبختانه توانست در دفترچه سنجش برای مهر ۹۹ اولین پذیرش را داشته باشد. متأسفانه توی اون دو سالی که وقفه افتاده بود توی پذیرش دانشجو مشکلات آموزشی خیلی زیادی برای بچه ها ایجاد شده بود از قبیل ثبت نشدن دروس ثبت نشدن انتخاب واحد عدم توجه به معافیت تحصیلی برای پسرهای عدم دریافت سنوات تحصیلی برای دانشجویانی که در مقطع ارشد که یکی از حسن های خوب دانشکده خبر بوده برای سنوات تحصیلی گرفته نشد و خیلی از دانشجویان مدرک نگرفته بودند عدم صدور مدرک بیش از هزار دانشجو و موارد آموزشی خاص

که خوشبختانه با تلاشی که همه همکاران کردند و من هم به عنوان یک فرد جز در کنار همکاران بودم تونستیم که در فاصله بین ۵ تا ۶ ماه مشکلاتی که برای بچه ها ایجاد شده بود را به محدود ترین قسمت برسانیم و حل کنیم و الان می توانم بگویم که خیلی از موارد بچه ها حل شده اینکه من تغییری انجام داده باشم توی دانشکده همش به خاطر این بود که همه زحمت می کشیدند من با عشق و علاقه کار میکردم. هم به دانشجویانم علاقه داشتم هم به استادان محترم و در حقیقت دانشکده خبر باید میرسید به آن سابقه قبلی برند خوبی که داشت و داره و خواهد داشت. به همین خاطر تلاش شبانه روزی کردیم تا اول نظم دانشکده را کیفیت دانشکده را دوباره برگردانیم به مرحله قبل و بعد بتوانیم موارد تک تک دانشجویان را بررسی کنیم و نسبت به آنها جوابگو باشیم و مشکلات آنها را حل کنیم باز هم میگویم من اعتقاد به این است که هر کس علاقه به کارش داشته باشد با عشق و علاقه کار کند اگر کامل به آن هدف نرسد به محدوده آن هدف می رسد.



من ۲۱ سال است که درکار آموزشی هستم همیشه دانشجویانم را با مادر گفتن خطاب کردم و صدایشان کردم چون واقعاً مادرانه دوستشان دارم خارج از جنسیت دانشجو و سن دانشجو همه را به صورت مادرانه باهاشون کار کردم و علاقه بهشون دارم به همشون حسی رو دارم که باید کارشان انجام بشود که اگر خدای نکرده یک نفر یک درصد از کارهای انجام نشود بدانند که دیگر خلاف حقایق است و ما کاری از دستانم بر نمی آید باز هم میگویم خودم را یک مدیر موفق نمی دانم خودم را خدمتگزار می دانم که تمام تلاشم را کردم.

خوشحال میشم که مخاطب من اون احساس بهش دست بده که دارن همه تلاش را می کنند بچه ها حالا ممکنه که یک درصد دو درصد ده درصد یا حالا تو هر موردی که میتونه متفاوت باشه اون نتیجه مطلوب براشون حاصل نشده باشه.



برنامه بعدی که داریم، ارائه دوره های آموزشی کوتاه مدت کاربردی و مهارتی به صورت پودمانی یا تک درس است تا با گذراندن آن، دانش پذیران مهارت لازم را یاد بگیرند.

با توجه به قوانین دانشگاه جامع علمی کاربردی درحال حاضر در مقطع ارشد دانشجو نمی پذیرد، این مجموعه تلاش دارد در صورت امکان پذیر بودن پذیرش دانشجو جزو دانشکده های علمی کاربردی باشد که این خدمت را ارائه میدهد.

- چه برنامه های را در نظر گرفتید برای فعالیت های فرهنگی هنری پیش روی دانشجویان؟

برگزاری اردوهای دانشجویی، برگزاری کانون های متفاوت دانشجویی، برگزاری جشنواره های ورزشی، برگزاری فعالیت های فرهنگی، تلاش ما این است که حداقل در سال یکی دو مرتبه جشنواره داشته باشیم. هدف ما این است که بتوانیم دبیرخانه جشنواره برای دانشکده های دیگر باشیم.

انجمن های علمی فرهنگی فعال تری نسبت گذشته داشته باشیم. شاهد تعامل و همکاری بیشتر دانشجویها با حوزه آموزش، حوزه دانشجویی و حوزه فرهنگی باشیم.

تلاش ما برآورده کردن محیط فرهنگی آموزشی در دانشکده است.

- به عنوان سخن پایانی اگر مطلبی هست که دوست دارید اضافه بفرمایید در خدمتون هستیم؟

من بسیار به دانشجویها و استادان بزرگوام علاقه مند هستم. با جان و دل برایشان زحمت میکشم. مطمئناً کوتاهی هایی وجود دارد که من از همه بزرگواران که اگر در حقشان کوتاهی شده عذرخواهی می کنم ولی این را می توانم بگویم که مادرانه همه دوستان همه استادان همه بچه های خوبم رو دوست دارم هم بنده و هم همه همکارانمان داریم تلاش می کنیم که همه کارهای ما به نحو احسن و در کوتاه ترین زمان ممکن و با نظم خیلی خوبی انجام شود. امیدوارم حضرتعالی و تیم همراه بسیار موفق باشید. از وقتی که گذاشتید بسیار بسیار سپاسگزاری می کنم و امیدوار هستم که همه به آن نتیجه ای که لایق هستیم با تلاش برسیم.



خوشحال میشم که مخاطب من اون احساس بهش دست بده که دارن همه تلاش را می کنند بچه ها حالا ممکنه که یک درصد دو درصد ده درصد یا حالا تو هر موردی که میتونه متفاوت باشه اون نتیجه مطلوب براشون حاصل نشده باشه.

- چشم انداز دانشگاه خبر رو برای سال ۱۴۰۲ به چه صورت می بینید؟

برای سال ۱۴۰۲ تمام تلاش دانشکده خبر این است که در راستای ماموریت و اهداف تعیین شده، رشته هایی که عملکرد خیلی خوبی را در سال گذشته داشته اند، مجدد با کیفیت مناسب و بالا ارائه شوند. برنامه دیگر، این است که باتوجه به پیشنهاد اساتید، نسبت به بازنگری و به روزرسانی سرفصل ها در رشته های عکاسی، روابط عمومی، خبرنگاری، سینما، تدوین، زبان و گرافیک، اقدام گردد.





کافه خبر
مصاحبه با استاد مهندس پرویز مصلی نژاد

دکتر پرویز مصلی نژاد متولد بیست و هشتم خرداد ماه سال ۱۳۳۳ در تهران است. وی پس از طی کردن دوران تحصیل در مقاطع ابتدایی و دبیرستان، در سال ۱۳۵۱ مدرک دیپلم ریاضی را از دبیرستان مروی تهران گرفت و در همان سال به دلیل شرایط اقتصادی خانواده وارد بازار کار شد.

مصلی نژاد پس از چندین سال فاصله، در سال ۱۳۵۷ به صورت شبانه در دانشگاه تهران و مقطع کارشناسی در رشته زبان انگلیسی مجدداً مشغول به تحصیل شد.

اما پس از گذر از سالهای انقلاب فرهنگی به ناچار با تاخیر در سال ۱۳۶۴ فارغ التحصیل شد.



- از منظر شما دانشجویان رشته زبان انگلیسی برای ارتقاء این رشته چه کارهایی میتوانند انجام دهند؟
به نظرم باید بچه ها اینقدر نمونه و ممتاز باشند و تو جامعه خوب بدرخشن که بتوان برای این رشته تبلیغ کنن و همه بدونن که همچین مترجمایی وجود دارن که میتونن تو مجامع بین المللی خودشون رو ابراز کنن و خودشونو نشون بدن و به خصوص تو بحثای سیاسی موفق باشن.

- شما چطور به رشته زبان انگلیسی علاقمند شدید؟
عرض کنم به خدمت شما که من بیش از دو سال در آمریکا تحصیل و زندگی کردم و برای همین زبان انگلیسی رو خوب یاد گرفتم. وقتی اومدم ایران متوجه شدم که بهترین رشته ای که میتونم توش موفق باشم زبان انگلیسیه. در رشته زبان انگلیسی دانشگاه تهران قبول شدم و در آنجا تحصیلم رو ادامه دادم.

- چه طور با دانشکده خبر آشنا شدید و چند سال هست که در این دانشگاه به عنوان مدیر گروه رشته زبان انگلیسی مشغول کارید؟
من شاید جزو اولین کسانی بودم که به دانشکده خبر پیوستم. سال ۱۳۷۷ به دانشکده خبر پیوستم و از همان ابتدا به عنوان مدیر گروه مشغول شدم و ظاهراً همین الان هم به عنوان مدیر گروه در خدمت شما هستم.

این استاد برجسته دانشکده خبر بعد از چندین سال تدریس در موسسات مختلف، در سال ۱۳۷۰ در آزمون ورودی دانشگاه های دولتی، شرکت کرد و سپس تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد.

مصلی نژاد در سال ۱۳۷۳ با رتبه ممتاز و با کسب صلاحیت مدرسی با عنوان عضو هیئت علمی از دانشگاه فارغ التحصیل شد و بیش از ۸۷ تالیف و پژوهش در کارنامه خود دارند و در حال حاضر مدیر گروه زبانهای خارجی در دانشکده خبر نیز هست.

- سلام. دکتر مصلی نژاد گرامی به مجله دریچه خبر خوش آمدید.
صدالبته که این معرفی فقط قطره ای از دریای بیکران رزومه شما استاد بدیع و بی نظیر زبان انگلیسی است.



- آیا از دوران تدریستون خاطره خاصی دارید که در ذهنتون ماندگار شده باشه؟
خاطره خوب و ماندنی در ذهن من اینه که به روش تدریس معلمهای خودم نگاه میکردم و بعدها که ناظر کلاسهای شاگردانم بودم متوجه شدم که شاگردانم دقیقا حرکات و رفتار معلم هایم رو در تدریس تکرار میکنند این نشون میده که معلمهایم روی من اثر گذاشتن و من هم به عنوان معلم آنقدر موثر بودم که دانشجوها و زبان آموزهام دقیقا مثل خودم تدریس می کنن. این نشان میده نقش معلم چقدر موثره. من خوشحال هستم که تونستم روی تعدادی از افراد اینقدر اثرگذار باشم که شبیه من بشن همانطور که من شبیه اساتید خودم شدم.



به نظر من الان بخشی از مشکلات ما به همین موضوع برمیگردد. ما اگر نگاه کنیم متوجه میشیم که در بین وزرای خارجهون در واقع فقط آقای ظریف بود که میتوانست مستقیم با مجامع بین الملل صحبت کند. بقیه درک چندانی از زبان انگلیسی نداشتند که بفهمند طرف شان چه میگوید.

جایگاه وزیر خارجه، خیلی جایگاه حساسی است. وزیر خارجه باید کسی باشد که آشنایی کافی با زبان انگلیسی دارد و اگر هم نیاز بود که برای رسمی بودن مجامع مترجم باشه، خودش متوجه بشه که طرف مقابل چه می گوید. سوتی هایی که ما توی بعضی از موارد برجام داشتیم به این دلیل بود که وزیر خارجه متوجه نمی شد که طرف مقابل چی میگه یا بعضی وقتا چیزی را ندانسته امضا می کرد و در واقع با این کارش تعهدی را ایجاد میکرد.

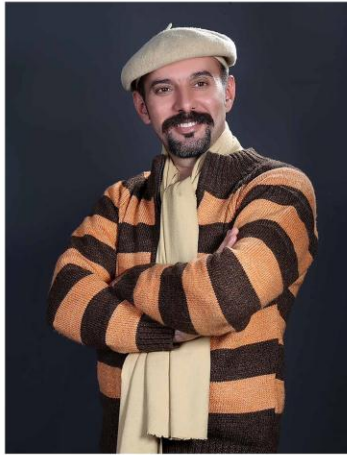
- کلام آخر آنکه از منظر شما دانشجویان رشته زبان های خارجه به چه صورت میتوانند در امری مثل ترجمه؛ چه به صورت شفاهی و چه کتبی موفق شوند؟

به نظرم می آید که دانشجویان رشته ترجمه اگر بخواهند موفق باشند و در وادی ترجمه خوب عمل کنند، حالا چه به صورت شفاهی که خیلی سخت تر و خیلی ظرافت بیشتری دارند و خیلی حساس تره و چه در مورد کتبی، اول باید زبان عمومی خودشون رو تقویت کنن چون اولین پله در بحث ترجمه زبان عمومی است. مثالی که من برای بچه ها میزنم معمولاً اینه که کسی میتونه خوب شنا یاد بگیره که در واقع اول روی آب وایسته. بعد همیشه بهش شنای قورباغه و کراال رو یاد داد. من زبان عمومی رو مثل روی آب ایستادن در شنا می دانم بعد میشود بهش قورباغه و کراال را یاد داد.

- در شرایط فعلی که بسیاری از افراد به صرف آشنایی با یک زبان خارجی دست به ترجمه آثار می زنند، نگاهتان به وضعیت ترجمه چگونه است؟
کار ترجمه کاری تخصصی است و مترجم در واقع باید مقداری محتاطانه با آثار برخورد کنه چون کار ترجمه خیلی ظریفه یعنی واقعا با توجه به تجربیات گذشته، یک اشتباه در این کار میتونه فاجعه به بار بیاره. بنابراین من احساس می کنم که هر کسی نباید ترجمه کنه و نباید ترجمه را به عنوان یک صنعت نگاه کرد. ترجمه در واقع می تواند یک هنر، یک مهارت و یک دانش باشد. مجموعه این سه تا می تواند ترجمه را بسازد. هر کسی هنر، مهارت و دانش را در کنار همدیگر ندارد.



چراغ راه زهرا حمزه خبرنگار دریچه خبر



دانشجویان رشته عکاسی دانشکده خبر آینده روشنی دارند. دانشجویان رشته عکاسی دانشکده خبر به رغم وجود مشکلاتی چون قیمت زیاد تجهیزات عکاسی و دوربین، آینده روشنی خواهند داشت.

دکتر کامین عباسی پیانی یک خرداد سال ۱۳۵۷ در خوزستان متولد شد. او که هم‌اکنون مدرس عکاسی در دانشگاه خبر، دانشگاه فرهنگیان و تعدادی از هنرستان های تهران است. وی دارای مدرک دکترای فلسفه هنر است و از سال ۱۳۸۰ تا به امروز در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی نیز شرکت نموده. همچنین ایشان برگزیده جشنواره دانشجویی سال ۸۰-۸۱ بوده و داوری جشنواره‌های متعددی را نیز برعهده داشته است. در گفت‌وگو صمیمانه‌ای گپی با آقای عباسی پیانی داشتیم، با ما همراه باشید.

- دکتر عباسی پیانی چرا عکاسی رو انتخاب کردید؟
به هرحال هر شخصی علاقه مندایی داره و من از اول به عکاسی علاقه مند بودم و در کنارش به دلیل آنکه هنرهایی چون نقاشی و طراحی یکی از ارکان مکمل برای عکاسی محسوب میشه آنها را هم فرا گرفتیم. اما به صورت جدی عکاسی رو ادامه دادم.

- سبک شما در عکاسی چیست؟
من عکاسی طبیعت رو خیلی دوست دارم. یک سری از افراد فکر می‌کنن که منظور از عکاسی طبیعت همون عکاسی land scape یا عکاسی منظره است اما در واقع عکاسی طبیعت با عکاسی منظره تفاوت داره البته یجورایی نزدیک به همدیگر هم هستن. عکاسی از طبیعت زیر شاخه‌های مختلفی داره. عکاسی مناظر طبیعی، عکاسی ماکرو و عکاسی حیات وحش زیر شاخه‌های عکاسی طبیعت محسوب میشن. در واقع عکاسی طبیعت بر اصول زیبایی شناسی و مستند بودن عکسها و ثبت مناظر استواره.



- تفاوت عکاسی طبیعت با عکاسی منظره چی هست؟
توی عکاسی طبیعت اون سوژه‌هایی که داریم باید واقعی باشن یعنی همون طور که هستن باید ثبت بشن در حقیقت عکاسی طبیعت معمولاً اینطور هست که نباید انسان توی طبیعت باشه یا رد پاش توی عکس دیده بشه. منظورم از رد پای انسان در طبیعت چیزاییه که بدست انسان ساخته شدن مثل کلبه چوبی جاده. این الهام ها وقتی بیان وارد کادر ما بشن، عکاسی ما عکاسی منظره محسوب میشه. من توی عکاسی طبیعت ژانرای مختلف مثل سبک minimal و انتزاعی رو دوست دارم و سعی میکنم توی کادرهام اون رو بیارم.



- چند سال است که با دانشکده خبر آشنا شدید؟
من از سال ۹۱/۹۰ با دانشکده خبر آشنا شدم. سال ۹۱ در
دانشکده خبر واحد اهواز مشغول بودم و از سال ۹۵ در
دانشکده خبر واحد تهران مشغول شدم.

- شما مدیر گروه عکاسی دانشکده خبر هستید. لطفا
بفرمایید که تا به حال چه فعالیتهایی را به انجام رساندید؟
یه مدیر گروه وظایفی داره و این وظایف رو در چهارچوب و
ساختاری که براش تعریف شده، انجام می‌ده. یکی از وظایف
مدیر گروه معرفی درس ها و سر فصل ها به دانشجویهاست.
از طرف دیگه دانشجویها حل مسائل مرتبط با دروس پیش
نیاز رو به مدیر گروه محول میکنن. در واقع اکثر دانشجویان
دانشکده خبر در شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف شاغل
هستن و من به عنوان یک مدیر گروه وظیفه دارم که شرایط
رو برآورد کنم و ببینم که هر فردی باید چه دروس پیش‌نیازی
رو بگذرونه یا نگذرونه. این کار با تشکیل شورا‌های مخصوصی
انجام میشه. من به عنوان مدیرگروه، دانشجویان رو به برگزاری
نمایشگاه‌های عکاسی ترغیب می‌کنم.



- به نظرتون رشته عکاسی چه آینده ای داره؟
به نظر من آینده رشته عکاسی خیلی خیلی روشنه. در واقع
من آینده خیلی روشنی رو برای دانشجویان رشته عکاسی
دانشکده خبر پیشبینی می‌کنم. من معتقدم که دانشجویان
عکاسی دانشکده مذکور بازار کار و موقعیت اجتماعی خوب
و خوشایندی خواهند داشت، البته دانشکده خبر در
رشته‌های مختلفی دانشجو می‌گیره و کار این دانشکده فقط
آموزش دادن عکاس نیست. در اینجا باید بگم دانشجویان
رشته عکاسی دانشکده خبر متأسفانه با یه سری مشکلات
مواجه هستن. اونا باید هزینه زیادی رو صرف خرید و تهیه
دوربین بکنن و گاهی بعضی از دانشجویها نمیتونن دوربین
تهیه کنن البته ما اونا رو ترغیب میکنیم که با گوشیهاشون
عکاسی کنن و درآمدزایی داشته باشن. از نظر ما دانشجویها
نمیتونن با راه‌اندازی پیج‌های عکس، درآمد داشته باشن.



همین الان بعضی از دانشجویها این کار رو انجام میدن.
من در پایان از همکاران عزیزم چون خانم دکتر سمیه یوسفی
معاونت و مدیریت محترم آموزش دانشگاه و دکتر نیما قاسمی
خانم دکتر آلما قاسمی و سایر همکاران گرامی گروه عکاسی
دانشگاه که در دانشکده خبر فعالیت میکنن، تشکر میکنم.
همچنین از اینکه رئیس دانشکده خبر به آموزش عکاسی برای
دانشجویان اهمیت میدن، بسیار خرسندم.
من معتقدم که دانشجویان رشته عکاسی دانشکده خبر،
دانشجوهای فعالی هستن و آینده روشنی دارن. من در خدمت
همه دانشجویان رشته عکاسی دانشکده خبر هستم. انشالله
که همه آنها موفق، موید، سرفراز و پیروز باشند.





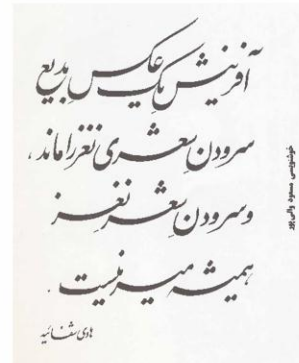
خواند اما بعد از مراجعت به ایران داروسازی را کنار گذاشت و بطور مصمم پیگیر حرفه‌ی عکاسی شد. او که تصمیم بر تاسیس آتلیه داشت، تهیه وسایل و جا برایش مدتی طول کشید تا در نهایت، روز اول فروردین سال ۱۳۳۴ آتلیه را سرپا کرد، اما هرگز آتلیه را عمومی نکرد. آتلیه بدون هیچ تابلو و وبترینی کار می‌کرد، در آتلیه همیشه بسته بود و اکثرا مورد پسند عوام نبود زیرا عکس‌های پرتره را بدون روتوش کار می‌کرد و عکس‌های گروهی و دو نفره هم نمی‌گرفت و سباز عکس‌هایش هم ۱۶×۱۲ بود که در آن زمان بزرگ بود. او از دوست و آشنا دعوت میکرد تا بطور رایگان و با نظر خودش، از آنها عکاسی کند و به همین دلیل کسی اعتراضی نمی‌کرد. اما کم‌کم نوع عکس‌های



بزرگداشت
میرهادی شفائیه در ۲۳ مرداد سال ۱۳۰۲ در تبریز چشم به جهان گشود. نام کوچک وی برگرفته از نام پدر بزرگشان بود. وقتی قرار بود نام فامیل انتخاب کند، آقای شفیع؛ نام داروخانه‌اش را که (شفائیه) بود را، به عنوان نام خانوادگی انتخاب کرد. او در ۱۰ سالگی در تبریز، اولین عکس خود را از خدمتکارشان با دوربین ۹×۱۲ ایکا گرفت. نگاتیوان شیشه‌ای و در قطع ۹×۱۲ سانتی‌متر و از کارخانه لومیر فرانسه بود. هادی شفائیه دوره ابتدایی و دبیرستان را در تبریز گذراند و در ۱۸ سالگی روانه تهران شد. رسیدن او به تهران برابر با سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین بود. او که تا ۱۸ سالگی در تبریز بود، در سال ۱۳۲۲ به استانبول رفت و در آنجا داروسازی



پرتوی او زیانزد خاص و عام شد و به این ترتیب اشخاص معروف برای گرفتن عکس به آنجا می‌رفتند. تهیه ی عکس برای جلد کتابها، برای اولین بار در این آتلیه و توسط هادی شفاثیه انجام شد. از جمله عکسهای وی برای جلد کتاب می‌توان به نسخی چون؛ گناه دریا اثر فریدون مشیری، چشمها و دستها اثر نادر نادر پور اشاره کرد. اگرچه عکس‌های تبلیغاتی و عکس از آثار باستانی نیز نام شفاثیه را بیش از پیش بر سر زبانها انداخت. از عکسهای به یادگار مانده وی می‌توان به پرتوی شعرا، نویسندگان و شخصیت‌های عرصه سیاست اشاره نمود. همچنین عکسهای بسیار زیبا در ابعادی فوق العاده بزرگ از مهرهای کوچک و الواح گلی دوره‌های هخامنشی،



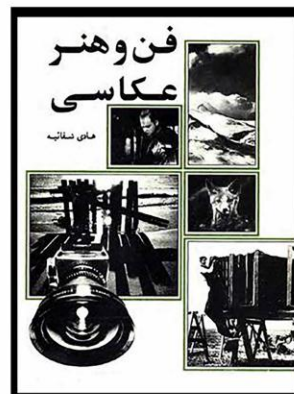
ساسانی و پیش از هخامنشی، جام‌های طلایی، مجسمه‌های مفرغی، سنگی و گچی الهه‌های باستان، گوشواره‌های طلایی و قلاب کمری که به گونه‌ای عکاسی شده که خطوط، نوشته‌ها و نقوش روی آنها به بهترین وضعی دیده می‌شد و نورپردازی مناسب بر روی آثار باستانی، به همراه فون مناسب، گیرایی فوق‌العاده‌ای به آنها بخشیده بود، که این هم از توانایی‌های هادی شفاتیه بود. از دیگر فعالیت‌های هادی شفاتیه می‌توان به برگزاری کلاس‌های رایگان عکاسی در اوایل تأسیس آتلیه اش نام برد؛ هر چند که خود به صورت خودآموز عکاسی را فرا گرفته بود. بعدها در رادیو و تلویزیون برنامه‌هایی با موضوع عکاسی نیز برگزار کرد.



که همین امر سبب شد تا از سوی دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاه صنعتی و هنرهای تزئینی برای اولین بار به آموزش عکاسی و تدریس به دانشجویان دعوت شود و دوره‌ی لیسانس عکاسی در دانشکده هنرهای زیبا و مجتمع دانشگاهی هنر توسط وی آغاز گردید. هر چند که فعالیت‌های دکتر شفاتیه به همین گزینه‌ها ختم نمی‌شود، ساخت فیلم مستند، تهیه‌ی عکس برای مجلات خارجی، داوری جشنواره، نمایشگاه عکس، نگارش کتاب و مقاله بخشی از فعالیت‌های او به عنوان یک عکاس و هنرمند است. اما نهایت آنکه او در سال ۱۳۶۶ از مدیریت و تدریس عکاسی کناره‌گیری کرده و از ایران کوچ کرد.

هادی شفاتیه قبل از عزیمت از ایران، قسمت اعظم نگاتیوهایش را به دست خود نابود ساخت، او که امکان بردن آنها را نداشت و نمی‌خواست نگاتیوها به دست کسانی بیفتد که نتوانند چاپ‌هایی را که مد نظر ایشان است از آنها به عمل آورند، آنها را با قیچی خرد کرد.

او طی نامه‌ای بعد از خروج از ایران، مرتضی ممیز را صاحب اختیار آثار خود اعلام کرد و مرتضی ممیز در سال ۱۳۷۲ آنها را به کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبا اهدا کرد. سرانجام استاد شفاتیه در سال ۱۳۹۷ در آمریکا دارفانی را وداع گفت.





روشنای آینده



مصاحبه با حمیدرضا روشنی و پویان امیدی، دانشجویان فعال رشته تدوین گزارشگر: زهرا حمزه
پای صحبت ۲ دوست، همکلاسی و همکار نشستیم تا از اونها بپرسیم چطور با هم آشنا شدن و توی مسیر دوستی و همکاری به کجا رسیده اند.

- خودتون رو معرفی کنید و بگید هر کدوم از چه گرایشی وارد رشته ی تدوین شدید؟

حمیدرضا روشنی: به نام یزدان، بنده حمیدرضا روشنی هستم متولد ۱۳۸۱/۲/۲۵ تهران و دیپلم برنامه نویسی دارم. من در طول زندگی اصلا به روزی که بخوام فیلم بسازم یا بازی کنم فکر نمی کردم و همیشه فکر میکردم که سینما و حرفه ی سینما به کار کاملا آسون هستش. تا به جایی رسید که به مدت سه ماه به خدمت مقدس سربازی رفتم و سپس بعد از سه ماه از پادگان به خونه اومدم و دیگه نرفتم و فردایش به دانشگاه ا زاد رفتم و رشته نرم افزار ثبت نام کردم و ایست خدمتی زدم و یک ترم نرم افزار خوندم و در طول این یک ترم با فردی آشنا شدم به نام مرتضی ذوالفقاری نسب که یکی از کارگردان های سینما است و در فیلم هایی که می ساختند من رو در بخش تدارکات و تیم صحنه فعال کردند و حتی در یکی از فیلم هاشون هم بازی کردم و همون جا بود که بیشتر از این که به نرم افزار علاقه نشون بدم به سینما علاقه مند شدم. در نتیجه از دانشگاه انصراف دادم و به سمت تدوین سوق پیدا کردم.



پویان امیدی: من هم پویان امیدی هستم دانشجوی ترم دوم تدوین دانشکده خبر. نحوه آشناییم با تدوین اینجوری بود که اولش چند تا عکس و ویدئو رو با گوشی پشت هم میذاشتم، رفته رفته با فیلمهایی که توی فضای مجازی میدیدم به سمت مرحله حرفهای تر که شناخت نرم افزار پریمیر بود روی آوردم. این امر تا جایی ادامه پیدا کرد که حتی برای یکی از کارهایی که تو دوره راهنمایی بهم پیشنهاد شده بود برای خود مدرسه نرم افزار رو نصب کردم و از اونجا رفته رفته علاقم به این رشته بیشتر شد.

- چه طور با دانشگاه خبر آشنا شدید؟

حمیدرضا روشنی: من هنگام انصراف از رشته نرم افزار؛ فراخوان جذب دانشجو دانشگاه علمی کاربردی رو دیدم و در نهایت به دانشکده خبر اومدم و ثبت نام کردم.



پویان امیدی: من چون میخواستم وارد رشته تدوین بشم، تحقیق کردم ببینم که توی تهران کدوم دانشگاهها این رشته رو دارن، که در نهایت با توجه به نظرهایی که توفضای مجازی بود؛ و به پیشنهاد یکی از دوستان تصمیم گرفتم وارد دانشکده خبر بشم.



- چطور با همدیگه آشنا شدید؟ جرقه دوستی شما در کجا و چه وقت زده شد؟ حمیدرضا روشنی: روز اول دانشگاه هنگامی که کلاس تموم شد و برای استراحت به حیاط اومدم پویان هم همراه من اومد و با هم شروع به گپ گفت کردیم و سوال اولمون هم این بود که دیپلم چه داریم و کجای تهران سکونت میکنیم و در مورد رشته ای که انتخاب کردیم حرف میزدیم و کم کم از سینما حرف زدیم و حرفه ای که بلدیم و همان گفت گو باعث شد که پویان تصویربردار تیم و کارهای نویسندگی تیم رو هم بنده انجام بدم و رفاقت خوبی بین ما شکل گرفت.



- از وقتی وارد دانشگاه شدید با هم به صورت فعال دارید همکاری می کنید. هر کدام در چه بخشی فعالیت دارید و تا به الان برای پروژه های دانشگاهی چه کارهایی انجام دادید؟ حمیدرضا روشنی: سینما یه کار تیمی و یک هستش و به خاطر همین تیم و یک بودنشه که هم جذابه و هم کار به صورت جدی جلو میره. من قبل از این که وارد سینما بشم علاقه زیادی به نوشتن داشتم و تمامی وقایعی که در طول روز اتفاق می افتاد رو مینوشتم و هنگامی که وارد سینما شدم و اولین فیلمنامه رو دستم گرفتم خیلی برام جذاب بود. بعد از آن هنگامی که داخل دفتر سینمایی فعالیت میکردم فیلمنامه های زیادی در کنارم بود و توانستم بیشتر با ساختار فیلمنامه آشناشوم. سپس خودم شروع به نوشتن اولین فیلمنامه کردم و هنگامی که وارد دانشگاه شدم درسی با مضمون فیلمنامه نویسی داشتم که با استاد نیما قاسمی بود و تمامی فوکوسم رو گذاشتم سر اون درس تا بتوانم بیشتر یاد بگیرم و همان شد که توانستم فیلمنامه های متعددی بنویسم، و تمامی پروژه هایی که با دوستان انجام دادیم نویسندگی و کارگردانی رو بنده انجام دادم. و در حال حاضر دو فیلم کوتاه (فرش به عرش) و (پرواز) را به نویسندگی و کارگردانی بنده انجام داده ایم. در حال حاضر هم در پیش تولید مستندی با مضمون (نواهای محلی بختیاری) هستیم.



- آخرین کاری که دارید انجام میدید چی هست و با چه چالشهایی در کارتون مواجه شدید؟
 حمیدرضا روشنی: در حال حاضر تیم ما در مرحله تدوین موزیک ویدئویی با هنگ آقای رضا صادقی است. بنده و آقای پویان امیدی هم در مرحله پیش تولید مستند هستیم. چالشهایی که در ساخت موزیک ویدئو داشتیم در مرحله پیش تولید انتخاب بازیگر بوده، که با کهک استاد نیما و آلفا قاسمی و استاد محترم خانم یوسفی انجام پذیرفت و در مرحله تولید هم صاحب کافه ای که قرار بود چند سکانس را داخل کافه اش ضبط کنیم یک روز قبل از رفتن از این امر منصرف شد و پا پس کشید و ما به یک باره مجبور شدیم که قسمت هایی از فیلمنامه را عوض کنیم.



- آیا با گروه های دیگر هنری (مثل دانشجویان گروه عکاسی، زبان های خارجی و ...) مستقر در دانشکده برای انجام پروژه ها و فعالیت های دانشگاهیتون همکاری داشتید؟
 پویان امیدی: بله ترم قبل، خانم نگار ناصرزعیم و خانم حنا حسینی از دانشجویان رشته ی عکاسی، به عنوان بازیگر در فیلم خودمون با ما همکاری کردند، که الان خانم ناصرزعیم جزئی از گروهمون شدن و تو انجام پروژه ها بهمون کهک میکنن.
 این ترم هم دانشجویان عکاسی ترم یک برای بازیگری تو پروژه موزیک ویدئو باهامون همکاری داشتند. به امید همکاریهای بیشتر....



- آقای روشنی و آقای امیدی سپاس از شما که امروز رو با مجله ی دریچه ی هنر همراه بودید.



محل به محل



بازی های بومی - محلی ایران

(این قسمت: قوم بختیاری) چو بازی:

چو بازی یا ترکه بازی از بازی های قدیمی، محلی و رزمی مردم ایران است که از گذشته تاکنون در میان کوچ نشینان و یکجانشینان و بیشتر در بین اقوام لر مخصوصاً بختیاری ها و بعضی روستاییان و عشایر لرستان مرسوم بوده و غالباً در مراسم شاد و جشن هایی نظیر عروسی، همراه با موسیقی، رقص و پایکوبی اجرا می گردد. در میان اقوام زاگرس نشین ایران، رزم چوب، قدمتی دیرینه دارد. ترکه بازی یکی از هنرهای رزمی مردان ایل بختیاری است که پیوسته به عنوان رقص از آن یاد شده است. آیین های چوب بازی، دستمال گردانی و دستمال بازی عشایر بختیاری دارای اصالت فرهنگی و سنتی است و خاستگاه آن ها میدان رزم بوده و در واقع یک نوع جنگ تن به تن جهت آمادگی جوانان ایل برای نبرد به شمار می رود. این آیین قدیمی که فردوسی نیز در شاهنامه به آن اشاره کرده است، هنوز در بین قوم بختیاری اجرا می شود، با این تفاوت که از آیینی رزمی به آیینی رزمی تبدیل شده و شاید بتوان گفت در سطح خاورمیانه هیچ آیینی به این اندازه سنت نبرد را در خود نداشته است. ویژگی بارز این بازی پرتحرک، گروهی بودن، هیجان فراوان و حالاتی است که حاکی از جنبه های رزمی و حماسی چوب بازی است. در شروع کار، توشمال (نام نوازندگان محلی اقوام بختیاری) با زدن ساز، مردان را به چوب بازی فرا می خواند. این بازی می تواند شامل دو قسمت دستمال بازی و ترکه بازی باشد. ساز سُرنا (ساز بادی) برای بخش دستمال بازی و ساز کرنا (ساز بادی) برای بخش چوب بازی استفاده می شود. پس از آن صدای کوبش دُهل (ساز کوبه ای) نیز کرنا را همراهی می کند و ضرباهنگ و شدت اجرای موسیقی بر اساس موقعیت و صحنه ی اجرای بازی تندتر می شود.

پیا او پیاهه که چی مه دیاره
زنه برج غیرت ز تیگ بلندس
نشون پیایل به شال و کله نبد
کسی که نسپده دلس و اتوه درد
تو اشنیدیه مرد بی درد هرگز!
کر لیش وار بهوسه بلا کرد
ز تیر زمونه نداره امون کس
به شودل نبندم که شودل سیاهه
خوشه غیرت و عشق و شورجوونی
بگ خواجه سی او پایل که رهدن
بهومه به بیت و غزل کردم یه یاد

صفای دلس آسمون بهاره
زلال کلامس منی چشمه ساره
بزرگی و مردی ز دیر آشکاره
خور از غم و درد مردم چه داره
دل بی غم و درد برد مزاره
کر خو ستینی ز ایل و توار
ایر رستمه یا یل اسفند یاره
دلیم عاشق افتو آشکاره
جوونی گل سهر باغ بهار
نم نیکوسون تا ابد مندگاره
که او هم پیاهه و هم سر دیاره



در ابتدای بازی، دو تن از مردان با پوشش و لباس محلی، با دستمال بازی به گرم کردن بدن خود پرداخته و برای اجرای مبارزه ی نمادین چوب بازی آماده می شوند. بازیکنان هرکدام یک عدد چوب به دست می گیرند. مدافع چوب دفاع یا تکیه (یا ذرك) را که چوب بلند و محکمی با طول تقریبی یک متر و نیم است به عنوان سپر، برای دفاع از خود و دفع حمله کننده استفاده می کند. مهاجم نیز چوب ترکه یا چوب حمله را که چوبی نازک و کوتاه تر از چوب دفاع است به عنوان وسیله ای برای حمله و زدن ضربه به مدافع در دست می گیرد. فردی که چوب حمله در دست دارد با چرخاندن چوب در زوایای مختلف حرکات نمایشی و موزون خاصی را اجرا کرده و با تمرکز و تلاش سعی در حمله به طرف مقابل و ضربه زدن به قوزک پای حریف با چوب می نماید. مدافع نیز با چوبی که در دست دارد و با حرکات کتف ها، جهش و جابجایی باید در برابر ضربات مهاجم به سمت پاهای خود دفاع کند. لحظه ی حمله و دفاع نقطه ی اوج این بازی به شمار می رود. چوب بازی با فریاد کشیدن و حرکات نمایشی سعی در ترساندن و فریب حریف دارند. در هر حمله تنها یک ضربه باید زده شود. اگر فرد مدافع موفق به گرفتن ضربه و دفاع از خود شد، نقش مدافع و مهاجم جابجا می شود. گاه با نفرات جدید بازی آن قدر ادامه می یابد تا نفر برتر مشخص شود. بازی های بومی - محلی دارای بار فرهنگی هستند و در هر منطقه از ایران، چه در گذشته و چه در زمان حاضر، در هر مکان و شرایطی با هدف پرکردن اوقات فراغت و شادی، طراحی و اجرا می شوند.



مسابقات کشوری چوب بازی

شایان ذکر است که با هدف زنده نگاه داشتن، احیاء و حفظ این فرهنگ، برای اولین بار در تاریخ بختیاری و پس از تحقیقات گسترده و جلسات متعدد با صاحبان و پیشکسوتان این سنت بختیاری از تمام نقاط کشور؛ اقدام به برگزاری این بازی در قالب مسابقات قهرمانی کشور شده، که همین امر نیز موجب جلب توجه بی نظیر هزاران نفر از مردم بختیاری و سایر اقوام گردید. این مسابقات تا کنون یک بار به میزبانی ایذه و یک بار هم در شهرستان مسجدسلیمان و به میزبانی این شهر برگزار شده است.

ثبت ملی چوب بازی

سرپرست معاونت صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری از ثبت میراث معنوی «چوب بازی» در فرهنگ بختیاری استان در فهرست آثار ملی خبر داد و گفت: این اثر با شماره ۵۰۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده.



نویسنده: نگار ناصرزعیف



دانشکده علمی کاربردی واحد خبر برگزار می کند:

عکس هفتم

فراخوان عکاسی دانشجویی

محورهای مسابقه:

گردشگری

آیین و سنت های نوروزی اقوام ایرانی
طبیعت

مراسم استقبال از بهار

دبیر اجرایی:

سمیه یوسفی

داوران:

آلما قاسمی دهقی، ایراندخت غفاری میاب

کامین عباسی پیانی، نیا قاسمی دهقی

نحوه ارائه آثار:

فرمت jpg و با رزولوشن 300 و

حداکثر چهار اثر

جوایز:

به نرات برگزیده هدایا تعلق می گیرد

مهلت ارسال آثار:

ششم اردیبهشت

هزار و چهارصد و دو

انجمن علمی دانشجویی عکاسی و گرافیک برگزار می کند

ویژه نامه فصل بهار، شماره ۲



دانشگاه جامع
علمی کاربردی